

Islamic Knowledge and Insight

Analysis of the Duties of the Islamic Government in Confronting Misleading Media (An Ethical, Jurisprudential, and Legal Examination)

1. Seyyed Taghi Hosseini: Department of Law, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran
2. Mohamad Ali Heydari*: Department of Law, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran (Email: Mal.heidari@iau)
3. Masoud Raei: Department of Law, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Abstract

The present article aims to elucidate the duties of the Islamic government in confronting misleading media and has been conducted using a descriptive-analytical research method with library-based data collection. The findings indicate that misleading media, through the production and dissemination of deviant content, generate multiple ethical, doctrinal, political, economic, and social harms within Islamic society. Based on jurisprudential foundations such as the principle of Nafy al-Sabil (negation of domination), the obligation to preserve the Islamic system, the duty of enjoining good and forbidding evil, and the prohibition of assisting in sin, the Islamic government is obligated to undertake active and comprehensive measures against such media. From a legal perspective, the laws and regulations of the Islamic Republic of Iran—including the Constitution, the Islamic Penal Code, the Computer Crimes Law, and the general policies of the system in the field of cyberspace—have established the necessary frameworks for supervision, regulation, and legal action against these media outlets. By explaining the various dimensions of the Islamic government's duties, this article proposes a systematic model for effectively confronting media-related threats. Moving beyond one-dimensional and reductionist approaches, the study offers a comprehensive and systematic analysis of governmental obligations toward misleading media, thereby contributing to the development of knowledge in the fields of media jurisprudence and communications law while presenting an indigenous, efficient, and practicable model for policymakers and executive authorities. This model is capable of safeguarding Islamic and revolutionary values while simultaneously providing a dynamic, secure, and free environment for legitimate media activities.

Keywords: Duties; Islamic Government; Confrontation; Media; Misleading Media.



How to cite: Hosseini, S. T., Heydari, M. A., & Raei, M. (2027). Analysis of the Duties of the Islamic Government in Confronting Misleading Media (An Ethical, Jurisprudential, and Legal Examination). *Islamic Knowledge and Insight*, 5(1), 1-17.

© 2027 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 22 November 2025

Revise Date: 13 April 2026

Accept Date: 20 April 2026

Initial Publish: 14 May 2026

Final Publish: 21 April 2027

معرفت و بصیرت اسلامی

تحلیل تکالیف حکومت اسلامی در مواجهه با رسانه‌های گمراه‌کننده (بررسی در زمینه اخلاقی، فقهی، حقوقی)

۱. سید تقی حسینی: گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
۲. محمدعلی حیدری: گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (پست الکترونیک: Mal.heidari@iau)
۳. مسعود راعی: گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

چکیده

مقاله حاضر با هدف تبیین تکالیف حکومت اسلامی در مواجهه با رسانه‌های گمراه‌کننده و با روش تحقیق تحلیلی-توصیفی و ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد رسانه‌های گمراه‌کننده با تولید و توزیع محتوای انحرافی، موجب ایجاد آسیب‌های متعدد اخلاقی، اعتقادی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در جامعه اسلامی می‌شوند. حکومت اسلامی بر اساس مبانی فقهی همچون قاعده نفی سبیل، وجوب حفظ نظام، امر به معروف و نهی از منکر و حرمت اعانت بر گناه، مکلف به مقابله فعال و همه‌جانبه با این رسانه‌ها است. از منظر حقوقی نیز قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران از جمله قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون جرائم رایانه‌ای و سیاست‌های کلی نظام در حوزه فضای مجازی، چارچوب‌های لازم برای نظارت، کنترل و برخورد با رسانه‌های مذکور را فراهم کرده‌اند. این مقاله با تشریح ابعاد مختلف تکالیف حکومت اسلامی، الگویی نظام‌مند برای مواجهه مؤثر با تهدیدات رسانه‌ای ارائه می‌نماید. این مقاله با عبور از رویکردهای تک‌بعدی و تقلیل‌گرایانه، با ارائه تحلیلی نظام‌مند از تکالیف حکومت اسلامی در مواجهه با رسانه‌های گمراه‌کننده، نه تنها گامی در توسعه مرزهای دانش در حوزه فقه رسانه و حقوق ارتباطات محسوب می‌شود، بلکه الگویی بومی، کارآمد و قابل اجرا را در اختیار سیاست‌گذاران و مجریان قرار می‌دهد. این الگو قادر است، ضمن صیانت از ارزش‌های اسلامی و انقلابی، فضایی پویا، امن و آزاد برای فعالیت‌های رسانه‌ای مشروع فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: تکالیف، حکومت اسلامی، مواجهه، رسانه، رسانه‌های گمراه‌کننده.

شیوه‌نامه: حسینی، سید تقی، حیدری، محمدعلی، و راعی، مسعود. (۱۴۰۶). تحلیل تکالیف حکومت اسلامی در مواجهه با رسانه‌های گمراه‌کننده (بررسی در زمینه اخلاقی، فقهی، حقوقی). *معرفت و بصیرت اسلامی*, 5(1), 1-17.

© ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱ آذر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۴ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۳۱ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ اردیبهشت ۱۴۰۶

مقدمه

در عصر حاضر، رسانه‌ها به‌عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای انتقال اطلاعات و شکل‌دهی به افکار عمومی، نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت جوامع ایفا می‌کنند. با گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی، شبکه‌های رسانه‌ای معاند و گمراه‌کننده، با تولید و انتشار محتوای انحرافی، به دنبال تأثیرگذاری بر باورها، ارزش‌ها و رفتارهای افراد و در نهایت تضعیف مبانی اعتقادی و اخلاقی جامعه اسلامی هستند (Nahavandi, 2019). این پدیده، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با شدت بیشتری در قالب جنگ نرم دنبال شده است. در چنین شرایطی، این سؤال اساسی مطرح می‌شود که تکلیف حکومت اسلامی به‌عنوان متولی اصلی صیانت از دین و جامعه در قبال این تهاجم رسانه‌ای چیست؟ این مقاله درصدد است با رویکردی میان‌رشته‌ای و با تکیه بر مبانی فقه امامیه، حقوق و قوانین ایران و اخلاق اسلامی، به تحلیل جامع تکالیف حکومت اسلامی در این عرصه پردازد.

امروزه رسانه‌های گمراه‌کننده با بهره‌گیری از شیوه‌های پیچیده عملیات روانی و جنگ رسانه‌ای، به دنبال تحقق اهدافی همچون استحاله فکری و فرهنگی، تضعیف حاکمیت سیاسی، ایجاد تفرقه و بی‌ثباتی اجتماعی و ترویج الگوهای رفتاری مغایر با ارزش‌های اسلامی هستند. این رسانه‌ها با عادی‌سازی منکراتی چون خیانت، روابط نامشروع، سقط جنین و همبازی، بنیان خانواده را نشانه رفته‌اند. همچنین با شبهه‌افکنی اعتقادی و ترویج اباحه‌گری، ایمان و باورهای دینی آحاد جامعه را هدف قرار داده‌اند. در مقابل، حکومت اسلامی نه تنها مسئولیت تأمین امنیت و رفاه مادی، بلکه متکفل هدایت معنوی جامعه و حفاظت از ارزش‌های دینی است؛ بنابراین، بررسی و تبیین حدود و ثغور تکالیف حکومت اسلامی در مواجهه با رسانه‌های گمراه‌کننده، از منظر فقهی و اخلاقی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

۱- گفتار اول: مفهوم‌شناسی

۱-۱. حکومت

واژه حکومت از ماده حکم گرفته شده است و واژه حکم در لغت به معنای مختلفی از جمله استقرار، ثبوت و اتقان آمده است. حکومت در اصطلاح قدرت سیاسی سازمان‌یافته‌ای است که به‌منظور تأمین اهداف کلان جامعه، قوانینی را وضع و اجرا می‌کند و بر حسن اجرای آن‌ها نیز نظارت دارد. بر اساس تقسیمی کلی به لحاظ حقانیت، حکومت‌ها به الهی و طاغوتی تقسیم می‌شوند.

واژه حکومت در معاجم فارغ از معنای حکومت در شکل فعل گونه‌ی آن به معنای نظام سیاسی حاکم به کار برده شده است. یکی از این منابع در معنای حکومت می‌نویسد: فرمانروایی، دستگاه دولتی که بر یک کشور یا ناحیه فرمان میراند و نظام سیاسی (Bashiriye, 2003).

فرهنگ لغت دیگر، حکومت را به معنای دستگاه دولتی حاکم می‌داند (Tabibian, 2012)؛ و در نهایت فرهنگ فرهیخته به‌صراحت به تبیین حکومت می‌پردازد که حکومت عبارت‌اند از: مجموعه‌ای متشکل از سازمان‌های اداری، اجتماعی و نیز یک ایدئولوژی سیاسی مشخص برای پیاده کردن و حفظ اهداف آن ایدئولوژی در جامعه؛ به‌عبارت‌دیگر ایدئولوژی‌های مختلف سیاسی برای اداره جامعه هر یک دستور و راهنمایی‌های قانون‌گذاری، قضائی و اقتصادی مخصوص به خود را دارند؛ حال مجموعه ارگان‌ها و سازمان‌های اداری - اجتماعی وابسته به هر یک از این ایدئولوژی‌ها که مجموعاً و به‌طور هماهنگ جامعه را اداره می‌کنند حکومت آن جامعه را تشکیل می‌دهند (Farhikhte, 1998).

۱-۲. اسلام

واژه‌ی اسلام مصدر باب افعال از ماده «س-ل-م» (ابن منظور و همکاران، ۱۴۱۴ ق، ص ۳۴۵) به معنای صحت و عافیت و دوری از هرگونه عیب و نقص و فساد است (Ibn Faris, 1979). اسلام به معنای انقیاد و گردن نهادن به حکم است. در لغت تسلیم در برابر فرمان خداست (بهرامیان، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی).

اسلام در اصطلاح به چهار معنا به کار می‌رود:

بنده تسلیم اراده‌ی خدای سبحان است (Tabatabaei, 1981).

۳-۱. حکومت اسلامی

حکومت اسلامی اشاره به سازمانی دارد که تمامی ارکان آن نشئت گرفته از اسلام باشد. حکومت دینی حکومتی است که مرجعیت همه‌جانبه دین خاصی را در عرصه سیاست و اداره جامعه پذیرفته است، یعنی دولت و نهادهای مختلف آن خود را در برابر آموزه‌ها و تعالیم دینی و مذهب خاصی متعهد می‌دانند (Vaezi, 2007).

بنابراین مراد از حکومت دینی این نیست که مردم یا حاکمان متدین باشند بلکه دینی بودن حکومت به معنای تعیین مبانی و اهداف آن از سوی دین است.

۴-۱. رسانه

واژه رسانه به فتح و کسر «را» استعمال شده است. واژه «رسانه» به کسر «را» به معنای ابزار و وسیله است. رسانه‌های جمعی و یا گروهی، وسایل ارتباط جمعی، مثل رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت، مطبوعات و... (Radzi, 2017).

رسانه‌ها، به معنای وسیله ارتباط جمعی، اعم از شنیداری، دیداری و مکتوب است. رسانه ترکیبی از دو بخش «رس» و «انه» است. «رس» از ریشه «رسیدن» است، وقتی ما از واژگان «رس و رسا» در سخن بحث می‌کنیم، مراد و منظور ما سخن یا واژه و گزاره‌ای است که مطلب را به مخاطب به‌درستی می‌رساند و پیامی را از گوینده و نویسنده به شنونده و خواننده منتقل می‌کند.

پس هرگاه پیامی از فرستنده به گیرنده به‌درستی منتقل شود، چنین پیامی را «رسا» می‌گویند؛ اما «انه» در فارسی به‌عنوان پسوند اسم‌ساز، قیدساز و صفت‌ساز، مانند پیامبرانه و مردانه به کار می‌رود. پس رسانه وسیله رساندن است. وقتی از رسانه‌های گروهی یا همگانی سخن به میان می‌آید، مراد همان ابزارها و وسایل ارتباط جمعی است (Radzi, 2017).

(۱) هرکسی که وحی الهی را می‌پذیرد به‌عام‌ترین معنای کلمه مسلمان است؛ خواه یهودی، مسیحی و یا زرتشتی باشد.

(۲) مسلمان به معنای مخلوقات هستی است که شریعت و قوانین الهی را می‌پذیرند، به این معنا که این مخلوقات تابع قوانین تخلف‌ناپذیرند که در اصطلاح قوانین طبیعت خوانده می‌شود. توضیح اینکه همه‌ی مخلوقات تابع حکمت و اراده‌ی الهی هستند و درواقع جز انسان هیچ مخلوقی راهی جز تبعیت از آن ندارد؛ مثلاً سنگ هیچ اختیاری جز فروافتادن ندارد؛ بنابراین نیروی جاذبه یکی از جلوه‌های اراده الهی در مرتبه عالم مادی است که سنگ از آن تبعیت می‌کند؛ بنابراین سنگ به این معنا مسلمان است. هر چیزی در عالم به این معنا مسلمان است به‌جز انسان که به دلیل اختیاری که به امانت به او داده شده است می‌تواند از تسلیم شدن به اراده‌ی خداوند سر باز بزند.

(۳) مسلمان یک معنای والا نیز دارد که این معنا به اولیا اطلاق می‌شود. همه‌ی موجودات به یک معنا به وجود خویش علم دارند و تنها انسان است که نسبت به علم خویش آگاه است؛ ولی بسان طبیعت است از آن حیث که لحظه‌لحظه‌ی زندگی‌اش مطابق با اراده‌ی الهی، آگاهانه و فعالانه است؛ درحالی‌که مشارکت طبیعی در اراده‌ی الهی منفعلانه است. بر این اساس "ولی" همان همتای آگاهانه، فعالانه و عقلی مسلمان به معنای دوم، طبیعت است. او همانند طبیعت همه‌ی لحظات زندگی‌اش را بر طبق ناموس و قوانین الهی به سر می‌برد؛ اما آگاهانه و به اختیار خویش چنین می‌کند؛ بنابراین او حافظ طبیعت و همتای معنوی آن است.

(۴) به معنای خاص‌تر، اسلام آخرین شریعت الهی است که در حدود چهارده قرن پیش به‌وسیله‌ی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به مردم ابلاغ شد؛ پس اسلام واقعیتی کلی است که انسان و عالم محیط بر او را شامل می‌شود و در ذات موجودات نهفته است. علت نام‌گذاری شریعت خاتم به اسلام این است که در این دین

واژه رسانه در فارسی برابر واژه عربی «الاعلام» به کار می‌رود و واژه «الاعلام» از ریشه علم است. این صفت در خداوند به کار رفته است و خداوند خود را در قرآن به عالم و علیم و علام ستوده است (Radzi, 2017). ضد واژه علم به کسر و زبر عین، جهل و نادانی است؛ پس وقتی از اعلام سخن به میان می‌آید، به معنای آگاهی بخشی و خبررسانی است.

معادل واژه رسانه در زبان لاتین کلمه «مدیا»^۱ است. این کلمه جمع کلمه «مدیوم»^۲ است. در انگلیسی، به معنای هر ابزاری برای برقراری ارتباطات است. پس رسانه حامل یا واسط پیام است.

پس هر ابزاری که پیامی را به دیگری منتقل کند رسانه است که شامل الفاظ گفتاری، نوشتاری، کتاب، منبر، روزنامه، مجلات، فیلم، سینما، تلویزیون، اینترنت، ماهواره، عکس، نقاشی، فضای مجازی و مانند آن‌هاست که به هنرهای یک تا هشتم در جهان معاصر معروف هستند. امروزه شبکه‌های رسانه‌ای نقش گسترده‌ای در هدایت و کنترل افکار عمومی دارند، انواع شگردها و شیوه‌های عملیات روانی در شبکه‌های گسترده رسانه‌ای درصدد تأثیر بر نگرش و بیش و تسخیر اذهان و افکار عمومی برآمده‌اند (Radzi, 2017).

۱ - ۵. مواجهه

کلمه‌ی مواجهه در زبان فارسی به معنای برخورد یا روبه‌رو شدن با یک وضعیت یا موضوع خاص استفاده می‌شود. مواجهه شدن، روبه‌رو شدن، مقابله کردن، برخورد چالش‌برانگیز، رو به روی هم قرار دادن. مواجهه به هر نوع رویارویی و تعیین تکلیف نسبت خود با امری دیگر گفته می‌شود (Ibn Manzur, 1993).

۱ - ۶. ضلال و گمراهی

در قرآن ضلالیت بیش‌تر در مورد انحراف عقیدتی به کاررفته و در بعضی موارد، معصیت خدا و رسول هم ضلالیت دانسته شده است. علاوه بر آن، قرآن وقتی گمراه‌شدگان را معرفی می‌کند، از هوای نفس، مشرکان، شیطان، کافران و گروهی از اهل کتاب نام می‌برد.

صاحب مفتاح الکرامه نیز در بحث کتب ضلال می‌نویسد: از جمله کتب ضاله‌ی محض - طبق مذهب شهید ثانی - که اتلافش واجب است، کلام صاحب حدائق در این مسئله است که به اصحاب و بزرگان مذهب شیعه اتهام تبعیت از شافعی در تدوین اصول را زده است (Hosseini Ameli, 2012). در حال با مراجعه به متون فقهی به وجود چند تفسیر در مورد ضلال می‌توان پی برد که عبارت‌اند از:

- ضلال یعنی باطل؛ بنابراین هر مطلب باطلی مصداق ضلال محسوب خواهد شد (Najafi, 1850).

- ضلال یعنی آنچه مخالف حق یا عقاید مسلمین است (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۷۵).

ضلال یعنی مقابل هدایت؛ بنابراین، هر آنچه می‌تواند موجب گمراهی گردد ضلال به شمار می‌رود (Sheikh Ansari, 1994). دهخدا در معنی لغوی ضلال می‌نویسد: گمراه شدن، گمراه گشتن، بی‌راه شدن، ضایع ماندن، ضایع شدن؛ صاحب کشف اصطلاحات الفنون گوید: ضلال در مقابل هدی استعمال می‌شود. دیگری گفته ضلال انحراف از راه راست است و ضد آن هدایت باشد. همچنین سلوک راهی که آدمی را به مطلوب نرساند ضلالت است و وصول به مقصود از راه راست را هدایت نامند، زیرا راه راست پیوسته یکی باشد، اما گمراهی راه‌هایی است مختلف زیرا خلاف مستقیم متعدد است (لغتنامه آنالین دهخدا).

۱ - ۷. رسانه‌های گمراه‌کننده

«وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره، ۲۱۷)؛ و فتنه‌گری، فسادانگیزتر از قتل است و کافران پیوسته با شما مسلمین کارزار کنند تا آن‌که اگر بتوانند، شما را از دین خود برگردانند و هر کسی از شما از دین خود برگردد و به حال

² Medium

¹ Media

همه چیز خود، حتی فرهنگ، آداب و آثار فاخر فرهنگی - تاریخی کشور خود کشانده است (وصیتنامه‌ی سیاسی - الهی امام خمینی). خلاصه آنکه هدف رسانه‌های گمراه‌کننده معاند، تسخیر افکار عمومی، تأثیرگذاری بر اندیشه، انگیزه و رفتار مخاطبان، تأمین منافع موردنظر از طریق جاذبه، اجبار، تحریم، تطمیع، تهدید، بازداشتن و... است.

هدف نهایی جنگ رسانه‌ای دشمن ایجاد دگرگونی و استحاله در ساختارهای اساسی و بنیادی جامعه و جایگزینی ساختارهای جدید مطابق با نظام ارزش‌های مهاجم است (Sarukhani, 1999).

همچنین اتاق‌های اندیشه‌ورز رسانه‌های ضاله در ابعاد مختلف، عملیات متعددی را طراحی می‌کنند که در ادامه به برخی از این نمونه‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- عملیات روانی - اقتصادی: در این عملیات کوشش می‌شود ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌ها در وضعیت اقتصادی و معیشتی جامعه هدف قرار گیرد و بزرگ‌نمائی شود.

۲- عملیات روانی - اجتماعی: هدف این عملیات، تخریب هویت ملی، تحقیر اقوام، ایجاد تفرقه‌های مذهبی و تحریک اقلیت‌هاست.

۳- عملیات روانی - سیاسی: در این قسم از عملیات روانی سعی می‌شود کشور هدف، دچار بحران سیاسی شود و قدرت نرم آن کاهش یابد.

۴- عملیات روانی - امنیتی: این عملیات تهییج و تحریک مخالفان داخلی و ایجاد اغتشاش و هرج‌ومرج و اخلال امنیتی را پیگیری می‌کند.

۵- عملیات روانی - فرهنگی: هدف این‌گونه از عملیات روانی تهدید باورها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری جامعه هدف است.

۶- عملیات روانی - دیپلماتیک: این عملیات، اعمال فشارهای دیپلماتیک از طرق رسمی و غیررسمی، مانند لابی‌گری، دیپلماسی عمومی و دیپلماسی رسانه‌ای را دنبال می‌کند.

کفر باشد تا بمیرد، چنین اشخاص اعمالشان در دنیا و آخرت ضایع و باطل گردیده و آنان اهل جهنم‌اند و در آن همیشه (معذب) خواهند بود.

مهم‌ترین برداشت از این آیه کریمه این است که دشمنان همواره در کمین‌اند تا انحراف، ارتداد، کفر و پشت کردن مؤمنان و موحدان به دین را با انواع وسایل روز به‌ویژه رسانه‌های خود گمراه ساخته و در مسیر انحراف قرار داده و به غیر آن راضی نمی‌شوند. آن‌ها دنبال پیروی موقت نیستند، بلکه می‌خواهند فرهنگ و مکتب اسلام را به هر شکل و با هر ابزاری از بین ببرند.

امروزه رسانه‌های گروهی، شبکه‌های اجتماعی، شبکه‌های ماهواره‌ای و پایگاه‌های اینترنتی، ابزارهای پر قدرت ارتباطی هستند که موافقان دین‌دار، مخالفان جاهل و معاندان متعصب از هر تیره فکری، دینی و مذهبی، هر یک به‌نوعی برای اقناع مخاطبان خود خصوصاً نسل جوان، از آن‌ها استفاده می‌کنند؛ اما باید توجه داشت که شبکه‌های رسانه‌ای معاند با تولید برنامه‌های جذاب و ارسال پیام‌های انحرافی، تشخیص حق از باطل را برای مخاطب با دشواری مواجه می‌کنند. ویژگی شبکه‌های رسانه‌ای گمراه‌کننده معاند آن است که برای رسیدن به هدف خود استفاده از هر وسیله و انجام هر جنایتی را به نام هنر و آزادی افکار، مباح می‌شمارند و دارای اندیشه، فکر و عمل فتنه انگیز و انحرافی هستند.

آن‌ها با صلح و آرامش هیچ نسبتی ندارند و پیوسته به دنبال نفوذ، تعدی و تجاوز به ایمان و اعتقاد راسخ مؤمنان‌اند. در این صدسال اخیر، با این ابزار، نقشه‌های بزرگی ضد اسلام و ضد روحانیت خدمتگزار و همچنین در تبلیغ استعمارگران غرب و شرق کشیده شد و از آن‌ها برای درست کردن بازار کالاهای مختلف خصوصاً تجملی و تزئینی استفاده کردند. برنامه‌های رسانه‌های گمراه‌کننده از فرآورده‌های غرب یا شرق می‌باشد که طبقه جوان زن و مرد را از مسیر عادی زندگی و کار و صنعت و تولید دانش، منحرف و به‌سوی بی‌خبری از خویش و شخصیت خود و یا بدبینی و بدگمانی به

سقط جنین و نادیده گرفتن حق حیات (اسراء، ۳۱)، اشاعه انزواطلبی، افسردگی و کاهش تعاملات اجتماعی سالم، ایجاد بحران هویت و ترویج الگوهای رفتاری غیردینی.

۲-۲. آسیب‌های اعتقادی

شبهه‌افکنی در مبانی دین و تشکیک در باورهای اسلامی، ترویج اباحه‌گری و نسبی‌گرایی اخلاقی، گسترش افکار باطل و انحرافی مانند عرفان‌های کاذب، رواج شخصیت‌محوری و خودستایی به جای خدامحوری.

۲-۳. آسیب‌های سیاسی و امنیتی

تضعیف حاکمیت ملی و مشروعیت نظام اسلامی، ایجاد شکاف بین نسل‌ها و تحریک اقوام و مذاهب، شایعه‌پراکنی و انتشار اخبار کذب برای ایجاد ناامنی، زمینه‌سازی برای نفوذ فرهنگی و امنیتی دشمن.

۲-۴. آسیب‌های اقتصادی

ترویج مصرف‌گرایی و اسراف، اختلال در بازارهای مالی و سرمایه‌گذاری، تبلیغ کالاهای قاچاق و غیرمجاز، تضعیف تولید داخلی و تشویق به تحریم اقتصادی.

۲-۵. آسیب‌های اجتماعی

تضعیف سرمایه اجتماعی و وحدت ملی، اختلال‌های جنسی و روابط نابهنجار، افزایش خشونت علیه زنان، رواج روابط نامشروع و گسترش صنعت فحشاء، افسردگی و انزوای اجتماعی، تخریب چهره دین و روحانیت

۳- گفتار سوم: تکالیف فقهی حکومت اسلامی در مواجهه

با رسانه‌های گمراه‌کننده

حکومت اسلامی بر اساس ادله فقهی زیر مکلف به مقابله با رسانه‌های ضاله می‌باشد.

۳-۱. وجوب دفع ضرر

بر اساس قاعده لاضرر حکومت باید مانع از ورود ضررهای اعتقادی و اخلاقی به جامعه شود. هرگونه فعالیت رسانه‌ای که موجب ضرر به اشخاص به هر شکل (آبرو، مال، جان و غیره) یا جامعه (اخلاق، امنیت، وحدت و غیره) شود ممنوع و حرام است.

۷- عملیات روانی - نظامی: هدف از این قسم از عملیات

روانی آن است که طرف مقابل را همیشه در شرایط جنگی قرار دهد تا توان خود را صرف این بخش کند و از دیگر بخش‌های حاکمیت غافل شود.

۸- عملیات روانی - مجازی: قدرت مجازی ابزارهای ارتباط

جهانی، نوعی شکاف دیجیتالی در عرصه بین‌المللی ایجاد کرده است.

این موضوع خود موجب انفصال و ضعف به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه و اسلامی در مقابل فن‌آوری‌های جدید ارتباطی و رسانه‌های غربی و شرقی شده است.

۱-۸. آسیب

واژه آسیب در فرهنگ عمید به دو معنا آورده شده است:

۱- هر عیب، نقص، یا جراحت که به سبب عاملی مانند ضربه ایجاد می‌شود.

۲- تماس، سایش (Amid, 2009)

در اولی ضربه مستقیم می‌باشد و تماس با شدت وارد می‌شود و در دومی به آهستگی تماس و سایش برقرار می‌شود؛ اما نتیجه هر دو گزندی است که وارد می‌شود و سبب نقصان فرد آسیب‌دیده می‌گردد.

در فرهنگ معین، ۵ معنا برای آسیب شمرده شده است که نتیجه همه آن‌ها خسارت و نقصانی است که برای آسیب‌دیده به وجود می‌آید.

۱- زخم، صدمه ۲- رنج ۳- آفت، بلا ۴- آزار ۵- زیان، ضرر (Moin, 1971)

۲- گفتار دوم: آسیب‌شناسی رسانه‌های گمراه‌کننده

رسانه‌های گمراه‌کننده در ابعاد مختلف، آسیب‌هایی را برای جامعه‌ی هدف ایجاد می‌کنند.

۲-۱. آسیب‌های اخلاقی

عادی‌سازی خیانت همسران و تضعیف اعتماد در خانواده، ترویج روابط جنسی پیش از ازدواج و اشاعه فحشا (نساء، ۲۵)، ترویج فرهنگ همباشی (ازدواج سفید) به جای ازدواج شرعی، عادی‌سازی

با توجه به وجوب عقلی امر به معروف و نهی از منکر و ارشادی بودن نصوص دال بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر به حکم عقل (Khomeini, 2013; Tusi, 1985) می‌توان امر به معروف و نهی از منکر را در مقابل رسانه‌های گمراه‌کننده و فضای مجازی توسط نهادهای مسئول واجب دانست؛ چراکه قائلین به وجوب عقلی امر به معروف و نهی از منکر به دلایلی چون قاعده لطف (Hilli, 1983; Siyuri, 2008)، مقدمه حفظ نظام، لزوم جلوگیری از معصیت (Khomeini, 2013) و مصلحت جامعه (Montazeri, 1988) تمسک جسته‌اند.

از واضحات است که در تمامی این ادله از نظر عقل، تفاوتی در اشکال معصیت و شیوه‌های مختلف جلوگیری از آن توسط نهادهای حاکمیتی نیست، بلکه عقل به صورت مطلق اقدام به عمل زشت و مبعوض خداوند را ناپسند می‌شمارد؛ لذا با توجه به وجود منکرات و برنامه‌های منفور خدا در رسانه‌های گمراه‌کننده، عقل امر به معروف و نهی از منکر را در این محیط‌ها توسط ارگان‌های مربوطه واجب می‌داند. بر فرض اینکه مطابق با سخنان بعضی از فقها، امر به معروف و نهی از منکر وجوب عقلی نداشته باشد، باز هم می‌توان با توجه به اطلاعات ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر، آن را در فضای مجازی واجب دانست؛ زیرا در آیاتی چون آیه ۷۱ توبه، آیه ۱۱۰ آل‌عمران و روایاتی همچون روایت (Kulayni, 1984) امر به معروف و نهی از منکر واجب شده است. اطلاق این ادله می‌تواند شامل امر به معروف و نهی از منکر در محیط رسانه‌ها و فضای مجازی نیز بشود. همچنین از راه تنقیح مناط نیز می‌توان وجوب امر به معروف و نهی از منکر را در این فضاها به اثبات رساند؛ چراکه مناط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، احیای دین و اصلاح عوام و سوق دادن آن‌ها به راه رستگاری و سعادت و پرهیز از کارهای ناشایست و ناپسند و تسلط نیافتن اشرار بر جامعه است؛ چنانچه می‌توان این نکته را از سخنان امام علی علیه السلام در حکمت ۲۴۴ نهج البلاغه استنتاج نمود. بدون شک این مناط در رسانه‌ها و فضای مجازی نیز که به‌عنوان بازتابی از فضای واقعی است، وجود دارد؛ لذا امر به معروف و نهی از

مسئله اصلی این است که قاعده لاضرر یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی برای تنظیم رفتار رسانه‌هاست. باید هم جنبه نظری و هم مصادیق عملی را بیان کرد. نکته ظریف این است که در رسانه‌ها ضرر می‌تواند چندلایه باشد، ضرر به افراد (مثل افتراء)، ضرر به جامعه (مثل ترویج فساد) و یا حتی ضرر به نظام اسلامی (مثل تضعیف وحدت) که در همه‌ی موارد حرام و ممنوع می‌باشد. در ادامه نیز چرایی رعایت قاعده لاضرر در رسانه بیان می‌شود:

الف) پیشگیری از ظلم به افراد. هرگونه انتشار خبر یا تحلیلی که موجب ضرر جسمی، مالی، آبرویی یا روانی به افراد شود مصداق ظلم و نقض آشکار قاعده لاضرر محسوب می‌شود.

ب) حفظ نظم و امنیت اجتماعی. انتشار شایعات یا اخبار کذب ممکن است به تشنج اجتماعی، تنش‌های قومی - مذهبی یا اختلال در امنیت عمومی و ملی منجر می‌شود.

ج) صیانت از کرامت انسانی. رسانه‌ها موظف هستند کرامت ذاتی انسان‌ها را حفظ کنند و از اقدامات یا انتشار مطالبی که موجب هتک یا نقض کرامت انسان‌ها در جامعه می‌شود پرهیز کنند. قرآن کریم تصریح می‌کند: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء، ۷۰)

د) التزام به عدالت. قاعده لاضرر مکمل عدالت رسانه است، زیرا هر ضرر ناروایی ظلم محسوب می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره، ۲۷۹)

ه) پرهیز از افتراء و شایعه. خودداری از انتشار ادعاهای بدون سند یا اتهامات اثبات نشده (قانون مجازات اسلامی، ماده ۶۹۸) رسانه‌ها به‌عنوان ناظر امت اسلامی، مسئول پیشگیری از ضرر به آحاد جامعه و مسلمانان هستند.

۳-۲. حرمت نشر ضلالت

مطالعه، نگهداری و ترویج کتب و محتوای ضاله حرام است و حکومت باید مانع آن گردد (مفید، ۱۳۶۸). آزادی در اسلام مطلق نیست و در مواردی که مُخَلَّ به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد، محدود می‌شود (اصل ۲۴ قانون اساسی).

۳-۳. ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر

منکر در این فضاها نیز از باب تنقیح مناظ می‌تواند واجب باشد. حال با اثبات وجوب امر به معروف و نهی از منکر در مقابل رسانه‌های مشکل‌دار و فضای مجازی، مراتب آن نیز در این فضا واجب است و هر یک از مراتب هم با در نظر گرفتن قدرت افراد و احتمال تأثیر، معین می‌شود. با توجه به مطالب گفته شده یکی از تکالیف نهادهای قوه‌ای و فرا قوه‌ای در اعمال امر به معروف و نهی از منکر با استفاده از همه ابزارهای ممکن در مقابله با آسیب‌های اجتماعی رسانه‌های گمراه‌کننده می‌باشد.

۳-۴. قاعده اصل تبیین و تحقیق در خبر

«یا ایها الذین آمنوا ان جاءکم فاسق نبیا فنبیون ان تصیبوا قوماً بجهالةٍ فتصبحو علی ما فعلتم نادمین» (حجرات، ۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر فاسقی برای شما خبری مهم آورد تحقیق کنید، مبادا ناآگاهانه به گروهی آسیب رسانید، سپس از کرده‌ی خود پشیمان شوید.

انسان‌ها به علت ذات اجتماعی خود پیوسته در ارتباط، تعامل و تبادل داده‌ها با یکدیگرند و بر پایه اصل اعتماد، به داده‌های تبادل‌ی به دیده قبول می‌نگرند؛ اما اعتماد افراطی و مطلق، آنان را به سطحی‌نگری سوق داده و منجر به معضلات فکری و آسیب‌های اجتماعی می‌گردد. قرآن برای پیشگیری از خطر آفات و نفوذ آسیب‌ها، راه مبارزه با سطحی‌نگری را طی آیاتی از جمله آیه نبأ نمایانده است. این مبارزه که با عبارت دستوری «تبیین» بیان شده، طی هفت مرحله شکل می‌گیرد: اجتناب از پخش اخبار و دامن زدن به شایعه‌ها و شبهه‌ها، پرهیز از قبول یا رد اخبار بدون تحقیق، درخواست مستندات درباره صحت یا سقم پیام دریافتی، رجوع به متخصصان، ارجاع به ولی امر، نظرخواهی و گزینش بهترین مطلب دریافتی.

نظر به گستره مفهوم فسق، برجسته‌ترین مصداق فاسقان در جامعه امروز، شبکه‌های رسانه‌ای گوناگون صهیونیستی و قدرت‌های استکباری وقت و دولت‌های نفاق منطقه‌ای و سازمان‌ها و گروهک‌های معاند و مزدوران داخلی آنان است که آسیب‌های اجتماعی فراوانی را بر جامعه وارد می‌کنند که برابر دستور قرآنی باید

صحت و سقم گزارش‌های آنان بررسی و سپس اعلام موضع شود. همچنین شبهات عقیدتی القا شده آنان را نیز با پیگیری تخصصی و تتبع عالمانه دفع و رفع نمود (پایگاه جامع تفسیر قرآن کریم).

در طول تاریخ، انبیا با مردم و اجتماعاتی روبرو بوده‌اند که به انواع بیماری‌های اجتماعی و اخلاقی مبتلا بوده‌اند و حتی امروز با آن همه پیشرفت‌های مهمی که در زندگی بشر شده است، هنوز آن بیماری‌ها به قوت خود باقی است. بیماری‌هایی همچون

- تقلید کورکورانه از نیاکان و پیروی از عادات و آداب و

رسوم خرافی

- پیروی از خیالات، شایعات، پیشگویی‌ها و رؤیاهای

بی‌اساس

- داوری و موضع‌گیری بدون علم، ستایش یا انتقاد بدون

علم و نوشتن و گفتن بدون علم

دارویی شفاف‌بخش برای همه آن بیماری‌ها، تحقیق و بررسی است که در این آیه آمده است. اگر جامعه اهل دقت و تحقیق و بررسی باشد، همه‌ی این آفات و بلاهای اجتماعی یکسره درمان می‌شود.

اسلام درباره‌ی چگونگی سخن و نقل خبر تأکیدات فراوانی کرده است از جمله:

الف) قرآن از کسانی که هر خبری را می‌شنوند و نسنجیده آن را نشر می‌دهند، به شدت انتقاد کرده و می‌فرماید: خبر را به اهل استنباط عرضه کنید و اگر حقانیت آن ثابت شد، آنگاه آن را پخش کنید (نساء، ۸۳).

ب) قرآن برای کسانی که با پخش اخبار دروغ، در جامعه دغدغه ایجاد می‌کنند، کیفری سخت معین فرموده است (احزاب، ۶۰).

ج) پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در سال آخر عمر شریف خود در سفر حج فرمودند: کسانی که خبرهای دروغی از من نقل می‌کنند، زیاندارند و در آینده زیاده‌تر خواهند شد، هر کس آگاهانه به من نسبت دروغ بدهد، جایگاهش دوزخ است و هر چه از من شنیدید، به قرآن و سنت من عرضه کنید، پس اگر موافق آن دو بود پذیرید و گرنه رد کنید. امام صادق علیه‌السلام به کسی که خبرهای دروغی را به پدرش

امام باقر علیه السلام نسبت می‌داد، لعنت کردند و فرمودند: هر چه از ما شنیدید، اگر شاهد و گواهی از قرآن یا سایر سخنان ما بر آن پیدا کردید، بپذیرید و گرنه نپذیرید. همچنین امام رضا علیه السلام فرمودند: سند سخنان ما، قرآن و سنت رسول خداست (Majlisi, 2008).

۳-۵. فیلترینگ محتوای حرام مطابق با فتوای مراجع و رهبری.

فیلترینگ اینترنت در ایران عبارت است از اعمال سانسور، محدودیت و نظارت ساختاریافته و هدف‌دار بر دسترسی به محتوای وبگاه‌ها و استفاده از خدمات اینترنتی برای کاربران ایرانی. فیلترینگ در ایران بر اساس قوانین مصوب در مجلس شورای اسلامی اعمال می‌گردد و طیف گسترده‌ای از وبگاه‌های اینترنتی، از پورنوگرافی گرفته تا سیاسی را در برمی‌گیرد.

مصادیق محتوای مجرمانه که به‌عنوان موضوع ماده ۲۱ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ شمرده می‌شود و نسبت به آن‌ها فیلترینگ اعمال می‌شود، فهرست بلندبالا و گسترده‌ای را شامل می‌شود که هر کدام در قوانین مختلف به‌صورت پراکنده ذکر شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- محتوا علیه عفت و اخلاق عمومی؛ جرائمی نظیر اشاعه فحشا و منکر، استفاده ابزاری از زنان، راه‌اندازی سایت‌های همسریابی بدون مجوز، تسهیل، تحریک، تشویق، ترغیب، تهدید یا تطمیع افراد به دستیابی به محتویات مستهجن و مبتذل و مواردی نظیر این‌ها.
- ۲- محتوا علیه مقدسات اسلامی.
- ۳- محتوا علیه امنیت و آسایش عمومی؛ مانند تشکیل جمعیت، دسته، گروه در فضای مجازی با هدف برهم زدن امنیت کشور، تهدید به بمب‌گذاری، تحریک یا اغوای مردم به جنگ یا کشتار یکدیگر، انتشار اسرار محرمانه نیروهای مسلح و نظایر این‌ها.
- ۴- محتوا علیه مقامات و نهادهای دولتی و عمومی

۵- محتوایی که برای ارتکاب جرائم رایانه‌ای بکار می‌رود؛ همچون انتشار یا توزیع و دردسترس‌کردن یا معامله داده‌ها یا نرم‌افزارهایی که صرفاً برای ارتکاب جرائم رایانه‌ای بکار می‌رود.

۶- محتوایی که تحریک، ترغیب یا دعوت به ارتکاب جرم می‌کند؛ مانند تبلیغ و ترویج مصرف مواد مخدر، مواد روان‌گردان و سیگار.

۷- محتوای مجرمانه مربوط به امور سمعی و بصری و مالکیت معنوی (سایت رسمی کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه <http://internet.ir>)

رهبر معظم انقلاب اسلامی بارها بر لزوم مدیریت صحیح فضای مجازی و جلوگیری از رهاسازی آن تأکید کرده‌اند. ایشان در بیانات نوروزی خود در تاریخ ۱ فروردین ۱۴۰۰ به‌صراحت به وضعیت مدیریت فضای مجازی کشور پرداختند و نگرانی خود را نسبت به ولنگاری در این حوزه ابراز کردند. آیت‌الله خامنه‌ای فرمودند: متأسفانه در فضای مجازی کشور ما آن رعایت‌های لازم باوجود این همه تأکیدی که من کردم صورت نمی‌گیرد و در یک جهاتی واقعاً ول است که بایستی آن کسانی که مسئول هستند حواسشان باشد. همه‌ی کشورهای دنیا روی فضای مجازی خودشان دارند اعمال مدیریت می‌کنند، (درحالی‌که) ما افتخار می‌کنیم به اینکه ما فضای مجازی را ول کرده‌ایم! این به‌هیچ‌وجه افتخار ندارد. فضای مجازی را بایستی مدیریت کرد. از این امکان مردم استفاده کنند؛ اما نباید این وسیله را در اختیار دشمن گذاشت که بتواند علیه کشور و علیه ملت توطئه کند.

این سخنان نشان‌دهنده اهمیت مدیریت فضای مجازی به‌عنوان یک ابزار قدرتمند در دنیای مدرن است. از دیدگاه ایشان، رهاسازی و ولنگاری در این فضا نه تنها قابل افتخار نیست، بلکه می‌تواند بستری برای سوءاستفاده دشمنان و توطئه علیه ملت باشد.

بنابراین، نظارت صحیح و برنامه‌ریزی‌شده بر فضای مجازی و ایجاد تعادل میان آزادی دسترسی و حفظ امنیت ملی، از وظایف اصلی

مسئولین این عرصه است. این مدیریت باید به گونه‌ای باشد که مردم بتوانند از امکانات این فضا بهره‌مند شوند؛ اما این بهره‌برداری نباید به قیمت آسیب به امنیت جامعه و منافع کشور تمام شود.

از محضر حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی پرسش زیر را مطرح کردند:

اشخاصی هستند که تفکرات التقاطی و سوابق فکری مغایر با نظرات اکثریت فقهای شیعه و فقه حاکم بر نظام مقدس جمهوری اسلامی دارند. آیا می‌توان دیدگاه‌ها و نظرات آن‌ها را در جامعه انتشار داد تا مردم با شنیدن اقوال مختلف بهترین آن را انتخاب کنند؟

جواب: این کار در صورتی که موجب بدآموزی نگردد، کار خوبی است؛ و این مشکل عمدتاً از طریق نحوه بیان مناسب نظرات مخالفین تأمین می‌شود، به این معنی که نظرات آن‌ها به صورت موزیانه و مخرب و توأم با دروغ و تهمت و جوسازی بیان نگردد. البته باید توجه داشت که مسائل مختلف است؛ بعضی از مسائل را می‌توان در سطح عموم مطرح کرد و بعضی از مسائل باید در سطح حوزه و دانشگاه و محافل علمی مطرح گردد؛ زیرا احتیاج به آگاهی‌های تخصصی دارد. به یقین اشتباه این دودسته از مسائل به یکدیگر، سبب بروز مشکلاتی در سطح جامعه می‌گردد.

با توجه به نظر مقام معظم رهبری و مراجع تقلید مبنی بر ضرورت مدیریت فضای مجازی و محتوای رسانه‌ای بدخواهان نظام اسلامی اعمال فیلترینگ و عدم ارائه محتوای مشکل‌دار و حرام در سطح جامعه امری ضروری و لازم می‌باشد.

۳-۶. وجوب حفظ نظام اسلامی (قاعده نفی سبیل و لزوم حفظ نظام)

قاعده نفی سبیل از مهم‌ترین قواعدی است که نقش تأثیرگذار بر تصمیمات و سیاست‌های کلان جامعه اسلامی دارد. تمام روابط فردی و جمعی تحت‌الشعاع این قاعده هستند. این اصل در روابط دولت با بیگانگان نقش مهم و اساسی دارد و طبق این اصل در صورت تسلط کفار بر مسلمانان هر نوع رابطه نفی شده است. البته این قاعده مانند بسیاری از قواعد فقهی از جمله قاعده «تزامم» یا «نفی

حرج» استثنائاتی دارد که راه روابط با جامعه بین‌المللی را گشوده می‌نماید. همچنین قانون‌گذار ایران با اجرای این قاعده در روابط بین‌الملل موجبات عدم تسلط خارجی‌ان را مدنظر قرار داده است. در خصوص انطباق این قاعده با استانداردهای بین‌المللی از قبیل «اصل عدم مداخله» یا «اصل حاکمیت برابر دولت‌ها» باید گفت این قاعده با استانداردهای بین‌المللی گاهی در تعارض قرار می‌گیرد که در زمان اختلاف و تعارض باید عدم تسلط بیگانگان بر مسلمانان محوریت داشته باشد.

قاعده نفی سبیل یکی از اصول فقهی، متقن و تأثیرگذار بر حقوق بین‌الملل ایران و روابط خارجی سیاستمداران نظام جمهوری اسلامی ایران است. دیدگاه اسلام تثبیت نظام و حفظ آن و بالا بردن مقام والای مسلمانان و نظام حکومت اسلامی در روابط مسلمانان با دیگر ادیان است. بر همین اساس خداوند در آیه ۱۴۱ سوره نساء می‌فرماید: «وَكُنْ يَجْعَلُ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» از ترجمه آیه به دست می‌آید که خداوند در شریعت اسلام حکمی را که موجب تسلط کفار بر مؤمنین شود قرار نداده است و همان‌طور که از ادامه آیه آمده است: «فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ یعنی در روز قیامت دلیل کافران مسموع نیست و خداوند در روز قیامت بر مسلمانان حکم خواهد کرد (Ibn Babawayh, 1997). همچنین بر اساس آیات ۴۱، ۴۳، ۴۴ همان سوره و حدیث اعتلا، راهی برای نفوذ کفار و دشمنان بر مؤمنان وجود ندارد. در فقه شیعی و حقوق ایران اجماع محصل قطعی بر این است که در اسلام هیچ حکمی که سبب تسلط کافر بر مسلمانان شود جعل نشده و در تمامی موارد احکام برتری مسلمان بر غیرمسلمان مورد توجه است (Mousavi Bojnourdi, 2008). برای مثال حتی فقها که در مورد کافر ذمی حق زندگی در جامعه اسلامی را قابل احترام شناخته‌اند؛ ولی اجازه احداث بنا بلندتر از خانه همسایه مسلمان خود را نداده‌اند (Khomeini, 2013). یکی از مستندات این نظر روایت: الاسلام یعلو و لا یعلی علیه است که از مدارک اصلی قاعده نفی سبیل است.

مردمان و بازگرداندن آن‌ها به دامان کفر دارند (مائده، ۲ و ۴۱ و ۴۲؛ توبه، ۴۵ تا ۵۰).

همکاری با دشمن، امری ناپسند و در برخی از موارد از مصادیق جرم و خیانت است که مجرم و خائن بر اساس قوانین کیفری و جزائی اسلام در همین دنیا مجازات می‌شود. از آیات ۶۰ و ۶۱ سوره احزاب به دست می‌آید که همکاری با دشمن با عنوان مرجفون شامل مجازاتی چون تبعید و اعدام و مانند آن‌ها است.

از نظر قرآن، همکاری با دشمن می‌تواند به‌عنوان مصداقی از تعاون علی الاثم و العداون تلقی شده و عذاب شدید دنیوی و اخروی بر آن بار گردد (مائده، ۲).

قرآن کریم در آیات متعددی به این موضوع پرداخته و مسلمانان را از هرگونه ارتباط و همکاری با دشمنان اسلام که قصد ضربه زدن به دین و مسلمانان را دارند، نهی کرده است؛ زیرا همکاری با دشمن در اشکال گوناگون از مصادیق خیانت به خدا، دین، رهبری و امت اسلامی است؛ چنان‌که در طول تاریخ بیشترین و مهم‌ترین ضربات به پیکره اسلام و مسلمین از سوی همین خیانت‌کاران وارد شده است. بی‌گمان، همکاری مسلمانان با دشمن، به تضعیف موقعیت مسلمانان در برابر دشمنان منجر می‌شود و قدرت آن‌ها را کاهش می‌دهد. همکاری با دشمن یکی از مهم‌ترین عوامل خروج از مسیر الهی است که انسان را به‌سوی گمراهی سوق می‌دهد.

هرگونه همکاری با دشمن در هر شکل و رویه و عنوانی، از مصادیق خیانت و جرم تلقی شده و مجازات الهی را به دنبال دارد؛ از همین رو خدا در آیات متعددی به مجازات کسانی که با دشمنان اسلام همکاری می‌کنند، اشاره کرده است. بر اساس گزارش‌های قرآنی همکاری با دشمن شامل مواردی چون: همکاری در امور نظامی و ارائه اطلاعات به آن‌ها به‌عنوان مصادیق خیانت و جاسوسی؛ همکاری در امور اقتصادی؛ همکاری در امور سیاسی که موجب تضعیف نظام اسلامی می‌شود، همکاری با دشمن در امور فرهنگی مانند ترویج فرهنگ بیگانه و نابودی فرهنگ اسلامی و مانند آن‌ها می‌شود. البته در آموزه‌های وحیانی همکاری به‌قصد نیرنگ و مکر جایز است؛

امام خمینی (ره) فرموده‌اند در صورتی که روابط سیاسی دولت‌های اسلامی بیگانگان موجب اسارت سیاسی شود، بر سران دولت اسلامی برقراری چنین روابطی حرام است. از فقهای معاصر می‌توان به رهبری انقلاب اسلامی اشاره کرد که در مقام بیان جایگاه این قاعده در سخنرانی ۱۳۸۷/۹/۲۴ بیان فرمودند: مسئله مهم این است که جمهوری اسلامی یک نفی با خود دارد، یک اثبات، با نفی استثمار، نفی سلطه‌پذیری، نفی تحقیر ملت به‌وسیله قدرت‌های سیاسی دنیا، نفی وابستگی، نفی نفوذ و دخالت‌های قدرت‌های مسلط دنیا در کشور، نفی سکولاریسم اخلاقی، اباحه‌گری، این‌ها را جمهوری اسلامی نفی می‌کند. یک چیزهایی را هم اثبات می‌کند: اثبات هویت ملی، اثبات ارزش‌های اسلامی، دفاع از مظلومان جهان، حفظ نظام اسلامی و تلاش برای دست پیدا کردن به قله‌های دانش.

حاصل مطالب مذکور این است که شکوفایی، سرافرازی، اقتدار و شوکت مسلمانان و ضرورت حفظ اصل و کیان اسلام و نظام و مسلمانان از پایه‌های اصلی مبانی فقهی و حقوقی اسلام و حکومت اسلامی موردنظر شارع مقدس و فقها و قانون‌گذاران است که بدون هیچ خدشه‌ای باید در تمامی موارد قانون‌گذاری مدنظر مسئولان مربوطه باشد؛ و همسو با قاعده نفی سبیل رفتار کنند.

۲-۳. حرمت همکاری با دشمنان اسلام

همکاری با دشمن می‌تواند دارای انواع و اقسام و رویه‌ها و اشکال گوناگونی چون: تعاون در گناه و تجاوزگری (مائده، ۲) پشتیبانی از دشمن (قصص، ۱۷) (بقره، ۸۵) (ممتحنه، ۹) (فرقان، ۵۵) ایجاد جنگ روانی با اراجیف خبری و شایعات لرزه‌افکن و تشویش اذهان عمومی (احزاب، ۶۰ و ۶۱) بیان افک و افتراء (فرقان، ۴)، ایجاد فتنه و آشوب، مخالفت با اوامر رهبر جامعه و مانند آن‌ها باشد که خدا مجازات سنگینی را برای همکاری بیان کرده است (مائده، ۴۱ و ۴۲؛ توبه، ۴۵ تا ۵۰) (احزاب، ۶۰ و ۶۱).

برخی از مسلمانان به‌ظاهر در تابعیت اسلام هستند؛ ولی دل‌هایشان با دشمنان است و ولایت و سرپرستی عاشقانه دشمنان را پذیرا هستند. چنین افرادی همه نوع همکاری را با دشمنان برای ضربه زدن و اخراج

ارتباطی به‌ویژه در سطح ولایت داشته باشد و آنان را بر امور خویش و امت مسلط سازد.

خداوند در قرآن بیان می‌کند که دوستی مسلمانان با دشمنان، با ایمان و اسلام سازگاری ندارد؛ چنین کسی در اسلام و ایمان خویش صادق نیست (مائده، ۵۷)؛ بنابراین اگر کسی با دشمنان از جمله کسانی که اسلام یا احکام اسلامی چون نماز و مناسک اسلامی و حجاب و مانند آن‌ها را به تمسخر می‌گیرند، دوستی برقرار کند، نشان می‌دهد که مسلمان نیست؛ بلکه مدعی اسلام است (مائده، ۵۷ و ۵۸).

۴ - گفتار چهارم: قوانین و ضمانت‌های حقوقی رسانه‌ها

نظام حقوقی رسانه‌ها در ایران مبتنی بر امنیت‌گرایی و حفظ ارزش‌های اسلامی و دینی می‌باشد. در ادامه انواع قوانین و ضمانت‌های حقوقی رسانه‌ها در ایران اسلامی به شرح جدول ذیل بیان می‌شود:

جدول ۱. انواع قوانین و ضمانت‌های حقوقی رسانه‌ها در ایران اسلامی

ردیف	قوانین عادی	شرح
۱	سیاست‌های کلی فضای مجازی ابلاغی مقام معظم رهبری	مصوب سال ۱۳۹۴
۲	قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	مصوب ۱۳۵۷ و اصلاحیه ۱۳۵۸
۳	قانون مطبوعات	مصوب سال ۱۳۶۴
۴	قانون مجازات اسلامی	مصوب سال ۱۳۹۲
۵	قانون جرائم رایانه‌ای	مصوب سال ۱۳۸۸
۶	قانون رسیدگی به جرائم علیه اصحاب رسانه	مصوب سال
۷	قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات	مصوب سال ۱۳۸۸
۸	آئین‌نامه ساماندهی فعالیت پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و سایت‌های اینترنتی	مصوب سال ۱۳۸۵
۹	قانون تجارت الکترونیک { حق مالکیت داده‌ها در فضای مجازی	مصوب سال ۱۳۸۲
۱۰	قانون کپی‌رایت نرم‌افزار در ایران	مصوب سال
۱۱	قانون حمایت از حقوق مصنفین و مؤلفین و هنرمندان	مصوب سال ۱۳۴۸
۱۲	سیاست‌های کلی نظام درباره شبکه‌های اطلاع‌رسانی ابلاغی رهبری	مصوب سال ۱۳۷۷

نتیجه‌گیری

استناد به منابع فقهی، اخلاقی به یافته‌های متعددی دست‌یافته که در ذیل به اهم آن‌ها اشاره می‌شود:

زیرا در برخی موارد، ممکن است تظاهر به همکاری یا دوستی با دشمن لازم باشد تا بتوان از فریب و نیرنگ آن‌ها جلوگیری کرد یا به آن‌ها ضربه زد.

خداوند در قرآن بارها از مؤمنان می‌خواهد تا از دوستی با دشمنان در هر سطح و درجه‌ای پرهیز کنند؛ البته برخی از سطوح و درجات دوستی مانند پذیرش ولایت و سرپرستی آنان حرام و ممنوع است (آل‌عمران، ۱۱۳) (مائده، ۵۱) (نساء، ۸۹ و ۱۴۴) (ممتحنه، ۱ و ۲) (توبه، ۲۳)

از نظر قرآن فرقی ندارد که این دشمنان، خویشان بسیار نزدیک از پدران و برادران و مانند آن‌ها باشند (توبه، ۲۳) یا اهل کتاب از مسیحیان و یهودیان (مائده، ۵۱) یا کافران (نساء، ۱۴۴)؛ بنابراین، هیچ‌وجه توجیهی نیست که انسان بخواهد با دشمنان، دوستی و

این مقاله با هدف تبیین تکالیف حکومت اسلامی در مواجهه با رسانه‌های گمراه‌کننده، با بهره‌گیری از روش تحلیلی-توصیفی و با

۱- ارائه تحلیلی جامع و چندبعدی از آسیب‌های

رسانه‌های گمراه‌کننده

پیامدهای مخرب رسانه‌های گمراه‌کننده در این مقاله در پنج حوزه کلان وجود دارد:

الف: اخلاقی (مانند عادی‌سازی خیانت، ترویج بی‌عفتی و اشاعه فحشاء)

ب: اعتقادی (از جمله شبهه افکنی، اباحه‌گری و تضعیف مبانی دینی)

ج: سیاسی (نظیر تضعیف حاکمیت، ایجاد ناامنی و شکاف نسلی)

د: اقتصادی (از قبیل تبلیغ مصرف‌گرایی، تشویق تحریم کشور توسط دشمنان و تضعیف ثبات اقتصادی کشور)

ه: اجتماعی (از جمله تزلزل نهاد خانواده، بحران هویت و انزوای اجتماعی)

۲- تدوین مبانی فقهی مستحکم برای مقابله نظام‌مند

این مقاله با بازخوانی ادله نقلی و قواعد فقهی از جمله:

الف: قاعده نفی سبیل

ب: لزوم حفظ نظام اسلامی

ج: امر به معروف و نهی از منکر در سطح حاکمیت و جامعه

د: حرمت اعانت بر اثم و افساد

ه: قاعده لاضرر

و: قاعده اصل تبیین و تحقیق در خبر

ز: قاعده تقدم دفع ضرر بر جلب منفعت.

تکالیف اخلاقی و شرعی حکومت اسلامی در مقابله‌ی فعال و عالمانه با رسانه‌های ضاله به صورتی مستدل و نوآورانه به اثبات رسانده است.

۳- تعیین وظایف تفکیک‌شده نهادهای حاکمیتی

در این مقاله برای نخستین بار در چارچوبی نظام‌مند، مسئولیت‌های نهادهای قوه‌ای با استناد به اسناد بالادستی و قوانین موجود به شرح زیر تبیین می‌گردد:

الف - قوه مقننه: جرم‌انگاری، وضع و اصلاح قوانین و نظارت بر اجرای آن‌ها.

ب - قوه قضائیه: تعقیب کیفری، مسدودسازی و رسیدگی تخصصی از طریق دادسرای فرهنگ و رسانه.

ج - قوه مجریه: سیاست‌گذاری، نظارت محتوایی و مصونیت بخشی به جامعه.

د - نهادهای فراقوه‌ای: تدوین و تهیه سندهای راهبردی و بالادستی و هماهنگی بین دستگاهی و پایش کلان

۴- ارائه الگوی عملیاتی هوشمند و چندلایه برای

مواجهه حکومت اسلامی

این تحقیق با تلفیق یافته‌های فقهی و حقوقی، الگویی کارآمد در سه سطح ارائه می‌نماید:

الف - سطح پیشگیرانه: ارتقای سواد رسانه‌ای، تولید محتوای جذاب و مقاوم‌سازی فرهنگی، اخلاقی و اعتقادی.

ب - سطح مقابله‌ای: نظارت هوشمند، فیلترینگ هدفمند و برخورد قضایی با عوامل مخل داخلی و خارجی.

ج - سطح تقویتی: تقویت زیرساخت‌های بومی، حمایت از رسانه‌های متعهد و دیپلماسی رسانه‌ای فعال.

۵- نوآوری در تلفیق فقه سنتی با حقوق رسانه‌ای

مدرن

این مقاله با گسترش مفهوم (کتب ضاله) به حوزه رسانه‌های نوین، گامی نوین و بدیع در عرصه فقه پویای رسانه برداشته و ظرفیت مغفول مانده فقه امامیه را در پاسخگویی به چالش‌های عصر ارتباطات به نمایش گذاشته است.

۶- تأکید بر نقش محوری نهادهای فراقوه‌ای و

حکمرانی سایبری

یافته‌ها نشان می‌دهد که مدیریت فضای مجازی و مقابله با رسانه‌های گمراه‌کننده، بدون هماهنگی و راهبری و سیاست‌گذاری کلان فرهنگی و رسانه‌ای نهادهای فراقوه‌ای میسر نبوده و این نهادها حلقه وصل ضروری بین قوای سه‌گانه در این عرصه هستند.

۷- ارائه مکانیسم‌های حقوقی و کیفری نوین

این تحقیق با ترکیب مبانی فقهی-اخلاقی الگویی عملیاتی ارائه می‌دهد که شامل موارد ذیل است:

- ۱- نظارت هوشمند
- ۲- مقابله فقهی، حقوقی و قضایی
- ۳- تولید محتوای رقابتی
- ۴- ارتقای سواد رسانه‌ای
- ۵- تقویت زیرساخت‌های فرهنگی

این الگو می‌تواند به‌عنوان سندی راهبردی برای دستگاه‌های ذی‌ربط مورد استفاده قرار گیرد و نقش حکومت اسلامی و مبانی اخلاقی، فقهی و حقوقی در مواجهه و مقابله با اخبار و محتوای انحرافی رسانه‌های گمراه‌کننده و همچنین ابعاد مختلف انحراف و گمراهی و آسیب‌ها را که توسط رسانه‌های معاند در جامعه اسلامی ایجاد می‌شود، مورد بررسی قرار داده و نقش قوانین و ضمانت‌های اجرایی فقهی، حقوقی، کیفری در مواجهه یا مقابله با این نوع رسانه‌ها را بیان کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The rapid expansion of modern communication technologies has transformed media into one of the most decisive instruments influencing public opinion, cultural identity, and political stability in contemporary societies. In the Islamic worldview, media are not merely tools of information transmission but powerful mechanisms capable of shaping belief systems, ethical orientations, and collective behavior. With the emergence of transnational communication networks and digital platforms, misleading media have increasingly engaged in organized psychological operations designed to influence religious values, social cohesion, and political legitimacy within Islamic

با تحلیل قوانین موجود و شناسایی خلأهای تقنینی راهکارهای عملیاتی ذیل توصیه می‌گردد:

- الف - توسعه دامنه شمول قانون جرائم رایانه‌ای
- ب - تصریح صلاحیت دادرسی ویژه رسانه
- ج - تدوین آئین‌نامه‌های اجرایی برای سیاست‌های کلی فضای مجازی ارائه‌شده که می‌تواند دستمایه نهادهای تقنینی و قضایی قرار گیرد.

د - تدوین قانون جامع رسانه‌های دیجیتال

ه - ترسیم نمودار فرایند نظارتی از صدور تا تعقیب قضایی

و - ایجاد نهاد ناظر مستقل مانند نهادهای صنفی رسانه‌ای

ز - تدوین منشور حقوق رسانه‌ها توسط قوه قضائیه.

ح - تدوین و تصویب قانون مبارزه با اخبار کذب در فضای مجازی.

این مقاله با عبور از رویکردهای تک‌بعدی و تقلیل‌گرایانه، با ارائه

تحلیلی نظام‌مند از تکالیف حکومت اسلامی در مواجهه با رسانه‌های

گمراه‌کننده، نه تنها گامی در توسعه مرزهای دانش در حوزه فقه

رسانه و حقوق ارتباطات محسوب می‌شود؛ بلکه الگویی بومی،

کارآمد و قابل اجرا را در اختیار سیاست‌گذاران و مجریان قرار

می‌دهد. این الگو قادر است، ضمن صیانت از ارزش‌های اسلامی و

انقلابی، فضایی پویا، امن و آزاد را برای فعالیت‌های رسانه‌ای مشروع

فراهم آورد.

societies. These media operate through sophisticated techniques such as ideological framing, normalization of deviant conduct, dissemination of doubt regarding religious principles, and strategic manipulation of public perception. Scholars emphasize that modern media warfare represents a continuation of ideological confrontation aimed at weakening moral and cultural foundations through soft power strategies (Nahavandi, 2019). Consequently, the Islamic government, as the institutional guardian of religious identity and societal order, confronts an unprecedented challenge requiring an integrated ethical, jurisprudential, and legal response. Understanding governmental duties toward

misleading media therefore demands a multidisciplinary analysis combining Islamic jurisprudence, communication theory, and constitutional law.

Conceptual clarification constitutes the theoretical foundation of the study. The notion of government refers to an organized political authority responsible for legislating, implementing, and supervising social regulations aimed at achieving collective objectives (Bashiriye, 2003; Tabibian, 2012). In Islamic political thought, governance derives legitimacy from religious principles rather than merely administrative power, meaning that state institutions operate within the normative framework of divine law and moral responsibility (Farhikhte, 1998). Islam itself signifies submission to divine will and represents both a comprehensive worldview and a normative system guiding individual and collective life (Ibn Faris, 1979; Tabatabaei, 1981). Accordingly, an Islamic government is defined as a political structure whose objectives, policies, and institutional mechanisms originate from Islamic teachings and remain accountable to religious norms (Vaezi, 2007). Media, in this framework, function as communicative intermediaries capable of transmitting knowledge, shaping awareness, and influencing social behavior through diverse technological forms such as broadcasting systems, press institutions, and digital networks (Radzi, 2017). The concept of confrontation denotes an intentional and organized response to challenges or threats confronting society (Ibn Manzur, 1993). Misguidance (ḍalāl) is interpreted in jurisprudential literature as deviation from truth, opposition to established beliefs, or dissemination of falsehood capable of leading individuals away from guidance (Najafi, 1850; Sheikh Ansari, 1994). Within this conceptual structure, misleading media are defined as communication platforms intentionally producing and disseminating content that distorts reality, undermines religious conviction, and destabilizes moral and social order.

The article identifies multiple dimensions of harm generated by misleading media, demonstrating that

media influence extends beyond informational effects into ethical, ideological, political, economic, and social domains. Ethical harms include normalization of immoral relationships, erosion of family trust, promotion of consumerist lifestyles, and weakening of interpersonal responsibility. Ideological harms emerge through the propagation of relativism, skepticism toward religious doctrines, and promotion of pseudo-spiritual movements that displace authentic religious authority. Political and security harms manifest in the delegitimization of governance structures, dissemination of misinformation, and stimulation of social polarization. Sociological analyses indicate that media-driven psychological operations aim to reshape collective consciousness by exaggerating crises, encouraging distrust, and weakening national cohesion (Sarukhani, 1999). Economically, misleading media may stimulate excessive consumption, encourage illicit markets, and undermine domestic production systems. Socially, these influences contribute to identity crises, social isolation, and fragmentation of communal solidarity. The study therefore conceptualizes misleading media not merely as communicative actors but as multidimensional agents capable of producing structural disruption across societal systems.

From a jurisprudential perspective, the Islamic government bears several binding duties grounded in established principles of Imami jurisprudence. The rule of preventing harm (lā ḍarar) obligates authorities to prevent intellectual, moral, and social damage inflicted upon individuals and society. Any media activity causing reputational harm, psychological injury, or social disorder becomes legally and ethically prohibited. Another fundamental principle is the prohibition of disseminating misleading or deviant content, which justifies governmental regulation where freedom of expression threatens religious foundations or public order. The doctrine of enjoining good and forbidding evil establishes a rational and religious obligation for governing institutions to intervene when societal corruption emerges (Khomeini,

2013; Tusi, 1985). Jurists further justify this obligation through concepts such as divine grace, preservation of social order, prevention of sin, and protection of public interest (Hilli, 2008; Montazeri, 1988; Siyuri, 1983). Scriptural and hadith sources also emphasize verification of information before dissemination, requiring investigative scrutiny of news sources to prevent social harm and misinformation (Kulayni, 1984; Majlisi, 2008). These jurisprudential foundations collectively establish an obligation for proactive governance combining education, regulation, and corrective intervention.

Legal analysis demonstrates that Iranian law provides institutional mechanisms enabling the Islamic government to fulfill these duties. Constitutional provisions, criminal law statutes, cybercrime legislation, and national cyberspace policies collectively create a regulatory framework for supervising media activity. The governance model emphasizes balanced regulation: protecting legitimate media freedom while preventing exploitation of communication technologies by hostile actors. The principle of negation of domination (nafy al-sabil) further obligates policymakers to prevent foreign ideological or cultural domination over Muslim societies, reinforcing independence and safeguarding religious identity (Mousavi Bojnourdi, 2008). Jurisprudential discussions highlight that no legal arrangement should permit external forces to exercise cultural or political control over Islamic communities (Khomeini, 2013). Accordingly, measures such as content regulation, judicial prosecution of harmful media practices, and structured management of cyberspace are framed as protective—not suppressive—actions aimed at preserving societal welfare. The study argues that effective governance requires coordination among legislative, judicial, executive, and supra-institutional bodies responsible for strategic policymaking, cultural supervision, and national media security.

The research ultimately proposes a comprehensive operational model integrating preventive,

confrontational, and developmental strategies for addressing misleading media threats. Preventive strategies include media literacy promotion, strengthening cultural resilience, and producing competitive indigenous media content capable of attracting audiences without sacrificing ethical standards. Confrontational strategies involve intelligent monitoring systems, targeted filtering of harmful content, and judicial accountability for actors engaged in deliberate misinformation campaigns. Developmental strategies emphasize reinforcement of domestic technological infrastructure, support for responsible media institutions, and proactive media diplomacy. By expanding classical jurisprudential concepts—such as the doctrine of deviant texts—into the contemporary digital environment, the study demonstrates the adaptive capacity of Imami jurisprudence in responding to modern communication challenges.

In conclusion, the analysis shows that confronting misleading media is not merely a regulatory task but a multidimensional responsibility combining ethical guidance, legal governance, cultural policy, and societal education. The Islamic government's duties emerge from an integrated framework uniting jurisprudential principles, constitutional mandates, and strategic governance considerations. A systematic and intelligent approach enables preservation of Islamic values while simultaneously maintaining a dynamic, secure, and responsible media environment capable of supporting legitimate freedom of expression and social development.

References

- Amid, H. (2009). *Amid Dictionary* (First Edition ed., Vol. 1). Amirkabir Publications.
- Bashiriye, H. (2003). *Teaching Political Knowledge (Foundations of Foundational Theoretical Political Science)*. Negah-e Moaser.
- Farhikhte, S. a.-D. (1998). *Farhikhte Dictionary: Political and Legal Terms*. Zarrin.
- Hilli, M. (2008). *Clarification of Benefits in Explaining the Problems of Rules*. Ismailiyan Institute.

- Hosseini Ameli, S. M. J. (2012). *Key to Dignity* (First Edition ed., Vol. 12). Islamic Publishing Institute.
- Ibn Babawayh, M. i. A. (1997). *Dictations*. Ketabchi.
- Ibn Faris, A. i. F. (1979). *Dictionary of Language Standards*. Dar al-Fikr.
- Ibn Manzur, M. (1993). *Tongue of the Arabs*. Dar Sadir.
- Khomeini, R. (2013). *Translation of the Means of Generalization (Tahrir al-Wasila)* (Vol. 1). Institute for Publication of Imam Khomeini's Works.
- Kulayni, M. i. Y. (1984). *The Sufficient*. Islamic Book House.
- Majlisi, M. B. (2008). *Oceans of Lights* (First Edition ed., Vol. 2 and 97). Islamic Book House Publications.
- Moin, M. H. (1971). *Moin Dictionary* (Vol. 1). Amirkabir Publications.
- Montazeri, H. A. (1988). *Jurisprudential Foundations of Islamic Government*. Kayhan.
- Mousavi Bojnourdi, M. (2008). *Collection of Jurisprudential, Legal, and Social Articles*. Institute for Publication of Imam Khomeini's Works, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution.
- Nahavandi, A. (2019). *Jurisprudence of Media and Communications* (Vol. 1). Behnashr Publications.
- Najafi, M. H. (1850). *Jewels of Speech* (First Edition ed., Vol. 22). Qom Teachers Association.
- Radzi, M. R. (2017). *Media Literacy and Jurisprudential Rulings of Media* (First Edition ed., Vol. 1). Poshtiban Publications.
- Sarukhani, B. (1999). *Media in Today's World* (First Edition ed., Vol. 1). Ettelaat Publications.
- Sheikh Ansari, M. (1994). *Book of Earnings* (First Edition ed., Vol. 2). Islamic Thought Publications.
- Siyuri, J. a.-D. (1983). *The Splendid Refinement of the Summary of Laws*. Ayatollah Marashi Najafi Library.
- Tabatabaei, S. M. H. (1981). *Al-Mizan Exegesis* (First Edition ed., Vol. 1 and 3). Islamic Publications.
- Tabibian, S. H. (2012). *Larousse Dictionary* (Vol. 1). Amirkabir Publications.
- Tusi, M. i. H. (1985). *Economy in Matters of Belief*. Dar al-Adwa.
- Vaezi, A. (2007). *Islamic Government* (Vol. 1). Management Center of the Qom Islamic Seminary Publications.